

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: سازمان فدائیان (اقلیت)

۲۳ جنوری ۲۰۱۲

جمهوری اسلامی و گسترش اعتیاد در جامعه

اگر بگوئیم جمهوری اسلامی ایران یک سیستم حکومتی بی بدیل در میان همه نظام های کنونی جهان است، چندان حرف بی ربطی نگفته ایم. نظام های ارتجاعی حاکم بر کشورهای منطقه و جهان، اگر یک یا تعدادی از معضلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بر توده های مردم تحمیل کرده اند، جمهوری اسلامی تا آنجا که توانسته و زور و قدرتش، اجازه داده است، همه مصائب و ستم های اجتماعی را یک جا بر توده های مردم ایران تحمیل کرده است. نگاهی به وضعیت عمومی توده های مردم ایران و نیز بررسی آمارهای منتشره از طرف ارگان ها و نهادهای بین المللی، نشان می دهد که جمهوری اسلامی در ایجاد نابسامانی های اجتماعی و تحمیل آن بر توده های زحمتکش، همواره بالاترین یا یکی از عناوین بالای رده بندی جهانی را به خود اختصاص داده است. از اعمال تبعیض و ستم جنسیتی بر زنان گرفته تا سلب آزادی های اولیه و حقوق دموکراتیک توده های مردم ایران، از سرکوب کارگران و ممانعت از تشکل یابی مستقل آنان به عنوان یک حق مسلم کارگری گرفته تا سرکوب ملیت های مختلف، از سلب آزادی بیان، مذهب و عقیده گرفته تا تحمیل یک دین و مذهب معین به توده مردم برای شرکت در امور سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه، از گسترش فقر و بیکاری در جامعه گرفته تا معضلاتی از قبیل اعتیاد، خود کشی، طلاق، دزدی، فحشاء و همه و همه، نام جمهوری اسلامی همواره در ردیف یکی از کشورهای صدر نشین جدول بررسی ها و رده بندی های جهانی قرار دارد.

در بررسی آماری انواع معضلات اجتماعی در ایران، مقوله اعتیاد و مصرف مواد مخدر، از جمله موضوعاتی است که هم اکنون به صورت یک بحران عمومی کل جامعه را فرا گرفته و گسترش روز افزون آن، سلامت عمومی جامعه و به طور اخص امنیت جوانان کشور را به مخاطره جدی انداخته است.

در مورد گسترش اعتیاد در کشور، اگرچه مقامات دولتی جمهوری اسلامی با ارائه آمارهای کذب و یا عدم انتشار تعداد دقیق آمار معتادان و میزان مصرف مواد مخدر در سال های اخیر سعی دارند تعداد معتادان کشور را کمتر از ۲ میلیون نفر اعلام کنند، اما بررسی و تحقیقات گروه های غیر دولتی و نیز آمار نهادهای وابسته به سازمان ملل حاکی از آن است که، مصرف مواد مخدر و توزیع و پخش آن در کشور، در سال های اخیر به ابعاد بی سابقه ای

رسیده است. به اساس گزارش "دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد" ایران به نسبت جمعیت، دارای بیشترین معتاد در بین کشورهای جهان است. یک نفر از هر ۱۷ نفر از جمعیت ایران معتاد به هروئین و تریاک است و ۲۰ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۰ ساله کشور، در سوء مصرف از مواد مخدر دست دارند.

با وجود ارائه چنین آمارها و گزارشاتی از سوی دفتر مقابله با جرم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، مسلم است که آمار ارائه شده از سوی نهادهای دولتی ایران کذب محض است. آمار ۲ میلیون معتاد در ایران، اولین بار در سال ۷۶ از سوی ستاد مبارزه با مواد مخدر اعلام شد و از آن زمان تاکنون همچنان ثابت مانده است.

به رغم این که نهادهای دولتی سعی دارند آمار معتادان کشور را کمتر از ۲ میلیون معتاد در ایران بازگو کنند، بعضا افراد و نهادهای دیگری از درون خود جمهوری اسلامی هستند که روی رقم ۳ تا ۴ میلیون معتاد در ایران تأکید دارند.

سید مؤید علویان، معاون وقت سلامت وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تعداد معتادان کشور را ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر در سال ۸۴ اعلام کرده بود. اما در همانزمان محسن وزیریان، مدیر کل پیشگیری از سوء مصرف مواد مخدر، آمار فوق را نیز مربوط به سال ۸۰ دانسته و اعلام کرد: مطمئنا این آمار در زمان حاضر یعنی سال ۸۴ افزایش یافته است.

درست در همان زمان، علی هاشمی، دبیر کل سابق ستاد مبارزه با مواد مخدر، آمار معتادان در ایران را ۴ میلیون نفر اعلام کرد. دکتر مصطفی اقلیما، رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران نیز، روی آمار ۴ میلیون معتاد در ایران تأکید دارد. با توجه به آمارهای ارائه شده می توان گفت که تعداد معتادان کشور در خوش بینانه ترین حالت، ۴ میلیون نفر برآورد می شوند.

همه این آمارها، از جمله تعداد ۴ میلیون معتاد در ایران مربوط به سال های گذشته از جمله تا سال ۸۴ هستند. سال هایی که دو ماده مخدر هروئین و تریاک عمده مواد تأمین کننده معتادان کشور بود و هنوز مصرف مخدرهایی همچون شیشه و کراک در میان جوانان عمومیت پیدا نکرده بود. بنابر این با قاطعیت می توان گفت که در سال های اخیر، تعداد معتادان کشور به مراتب بیشتر از ۴ میلیون نفر است. با این حال، اگر تعداد معتادان کشور را همان ۴ میلیون نفر در نظر بگیریم و این افراد در خانواده ای زندگی کنند که ۴ تا ۵ نفر عضو داشته باشند، در این صورت ۱۶ تا ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ایران به صورت مستقیم با معضل اعتیاد در کشور مواجه هستند.

علاوه بر آمارهای داخلی، آمارهای جهانی نیز از گسترش روزافزون مصرف مواد مخدر در ایران خبر می دهند، که راه را بر هر گونه دروغ پردازی آمارهای مسؤولان دولتی می بندد. "دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد" در گزارش سالانه ۲۰۰۸ خود، وضعیت اعتیاد در ایران را چنین گزارش کرده است: ۱۴ تن هروئین و ۴۵۰ تن تریاک تولید شده در افغانستان، در ایران به مصرف رسیده که ایران را به همراه روسیه در صدر فهرست بزرگترین مصرف کنندگان مواد مخدر در جهان قرار داده است. طبق این گزارش، ایران که مصرف مواد مخدر در آن برابر با دو کشور چین و هند است، به یکی از کشورهای که با جدی ترین مشکل اعتیاد در جهان روبرو هستند، بدل شده است.

با توجه به این که در این گزارش، تنها به مواد مخدرهایی چون تریاک و هروئین اشاره شده و در آن اساسا به میزان مصرف انواع جدید مخدرهای صنعتی از قبیل شیشه و کراک اشاره ای نشده است، آنگاه بهتر می توان به عمق فاجعه اعتیاد در جمهوری اسلامی پی برد. چرا که در سال های اخیر، به دلیل سهل الوصول بودن مواد مخدر شیشه و کراک، اغلب جوانان کشور به مصرف آن روی آورده اند. در گزارش "سازمان ملی جوانان ایران" نیز با

توجه به جدیدترین بررسی های انجام گرفته تأکید شده است که، میزان گرایش جوانان به دو ماده مخدر جدید و بسیار پر خطر کراک و شیشه به طور نگران کننده ای در حال افزایش است.

حال، اگر به همه این آمارهای تکان دهنده و واقعیت ویرانگر گسترش اعتیاد در کشور، آخرین گزارش ارائه شده توسط رئیس پولیس مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی را نیز اضافه کنیم، بیشتر می توان به عمق فاجعه اعتیاد در کشور پی برد. کشف دو کیلو مواد مخدر در هر دقیقه و دستگیری ۳۰ فروشنده مواد مخدر و معتاد در هر ساعت، نشانگر عمق بحران اعتیاد در جامعه است. در همین رابطه خبرگزاری مهر روز شنبه ۱۷ دیماه [جدی] ۱۳۹۰ به نقل از سردار مؤیدی رئیس پولیس مبارزه با مواد مخدر، از کشف ۳۳۰ تن مواد مخدر در کشور طی ۹ ماه امسال خبر داده است. که میانگین روزانه آن، کشف یک هزار و ۱۹۲ کیلوگرم مواد مخدر در کشور است. همین گزارش می افزاید، بیشتر کشفیات مواد مخدر امسال را، مخدرهای سنتی تشکیل می دهد. همچنین تولید مخدرهای صنعتی نیز، نسبت به گذشته بسیار افزایش یافته است و آشپزخانه های تولید این ماده در کشور، فعال هستند.

آنچه مسلم است، جوانان و توده های مردم ایران تنها با غول اعتیاد و ویرانگری حاصل از آن مواجه نیستند. فقر، خودکشی و تن فروشی نیز، از جمله مصائب دیگری در ردیف اعتیاد هستند که جمهوری اسلامی ایران طی حاکمیت ننگین و سرکوبگرانه اش، بر توده های مردم ایران تحمیل کرده است. درکنار گسترش اعتیاد و مصرف مواد مخدر که روزانه ۱۰ نفر در اثر مصرف آن جان خود را از دست می دهند، تن فروشی همچنان در حال گسترش است و اقدام به خودکشی نیز به نحو حیرت آوری افزایش یافته است. هم اکنون میزان خودکشی در ایران ۱۲ نفر در هر یک هزار نفر است. زنان کشور، بیشترین آمار خودکشی را به خود اختصاص داده اند. فقط در تهران، روزانه ۱۰ زن دست به خودکشی می زنند و استان های ایلام، کرمانشاه، کردستان و بعد همدان رکورددار آمار خودکشی در میان زنان ایران هستند. به راستی چرا؟

با وجود این همه سرکوب، دستگیری های گسترده و اعدام روزانه توزیع کنندگان مواد مخدر در ایران، چرا گرایش به اعتیاد و آمار معتادان کشور همچنان رو به افزایش است؟ چرا تن فروشی در جامعه، سیر صعودی به خود گرفته است؟

بر کسی پوشیده نیست که پدیده هائی از قبیل فقر، خودکشی، اعتیاد و تن فروشی، ریشه در عوامل اقتصادی و اجتماعی هر جامعه دارند. سرکوب، دستگیری، زندان و اعدام های روزانه، هرگز راه گشای حل اینگونه معضلات اجتماعی نیست و نخواهد بود. جمهوری اسلامی ایران تا کنون بیشترین سرکوب و اعدام را برای مقابله با اعتیاد در جامعه اعمال کرده است. آیا تا کنون نتیجه ای از اقدامات سرکوبگرانه خود گرفته است؟ آیا گرایش به اعتیاد در جامعه متوقف شد؟ آیا تن فروشی از جامعه رخت بر بست؟ مسلم است که نه! نه تنها با سرکوب و اعدام، معضل اعتیاد در جامعه کاهش نیافت، بلکه هر سال به دامنه آن نیز به شکل بی سابقه ای افزوده شد، سن اعتیاد به ده سال کاهش یافت و میزان مصرف مواد مخدر در یک دوره هفت ساله دو برابر شده است. نه تنها تن فروشی کاهش نیافت، بلکه با افزایش فقر و بیکاری، تن فروشی نیز در جامعه گسترش یافت.

آنچه مسلم است، همه این مصائب و معضلات اجتماعی، ریشه در ماهیت طبقاتی نظم اقتصادی-اجتماعی و نظام جمهوری اسلامی دارد و بدون یک تغییر بنیادی در جامعه، قطعاً راه دیگری برای مقابله با اینگونه پدیده های اجتماعی متصور نیست.

توده های مردم علی العموم و جوانان به طور اخص، سرمایه های انسانی هر کشوراند. فراهم ساختن شرایط لازم برای حفظ سلامت و پیشگیری از بروز ناهنجاری های اجتماعی، اقتصادی و نیز ایجاد مناسبات درونی قابل اعتماد

در میان مجموعه عناصر تشکیل دهنده این سرمایه های کشور، از جمله یکی از ابزارهای مهم شناخت از وضعیت موجود جامعه و ماهیت نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است.

طبیعتاً، حکومتی که منافع حاکمانش با منافع عموم توده مردم در تعارض باشد، حکومتی که همواره می خواهد بر گرده مردم بنشیند و از قبل استثمار، سرکوب و سلب تمام آزادی های مدنی و دموکراتیک کارگران و زحمتکشان جامعه پایه های استبدادی خود را مستحکم و بقاء خود را استمرار بخشد، نه تنها در مسیر حفظ سلامت جوانان و توده های مردم، حرکت نمی کند بلکه، مجموعه ارگان ها و دستگاه های عریض و طویل اینگونه سیستم های حکومتی با توزیع و پخش انواع مواد مخدر در میان جوانان و توده مردم، علاوه بر کسب درآمد سرشار از تجارت غیر قانونی مواد افیونی، به گسترش اعتیاد، انفعال سیاسی و بی اعتمادی در متن جامعه نیز دامن می زنند.

ضمناً اشاره کنیم که هم اکنون در عرصه جهانی سوداگری و تجارت تغییر قانونی مواد مخدر، چهارمین تجارت عمده جهان محسوب می شود که سالانه بالغ بر ۵۰۰ میلیارد دلار سود آوری دارد.

بر کسی پوشیده نیست که سپاه پاسداران، این ارگان سرکوب و اقتدار جمهوری اسلامی، این "برادران قاچاقچی" احمدی نژاد، از جمله ارگانهای مافیائی درون نظام هستند که از قبل پخش و توزیع مواد مخدر در جامعه، به سودهای کلانی دست یافته اند. بنابر این، آنچه از طرف جمهوری اسلامی تحت عنوان مبارزه با اعتیاد و توزیع مواد مخدر در جامعه تبلیغ و ترویج می شود، اقداماتی ظاهری و عملی برای فریب افکار عمومی است. اعلام کشف ۲ کیلو مواد مخدر در هر دقیقه و دستگیری ۳۰ نفر در هر ساعت، تنها بخش کوچکی از مواد مخدر توزیع شده در جامعه و عناصر تحتانی این سوداگری هستند که می باید در سیکل بسته تجارت مواد مخدر، قربانی سوداگری میلیاردی ارگان های نظامی-امنیتی و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی شوند تا کل سیستم، همچنان بر این سوداگری کلان خود استمرار یابد.

بدون شک، سیستمی که در آن، خامنه ای و باند نظامی - امنیتی اش، حتی بلند پایه ترین مقامات دولتی و حکومتی را قربانی قدرت و مطامع سیاسی و اقتصادی خود می کنند، دستگیری و اعدام روزانه بخشی از توزیع کنندگان مواد مخدر برایشان بسیار سهل و آسان است. آنچه برای مسئولان جمهوری اسلامی و عوامل کلیدی نیروهای نظامی - امنیتی اش مهم است، سودهای کلانی است که از تجارت مواد مخدر و توزیع آن در جامعه کسب می کنند. تباهی و نابودی میلیون ها انسانی که قربانی اعتیاد و سوداگری مواد مخدر در جامعه می شوند، برای حاکمان جمهوری اسلامی فاقد کمترین ارزش است. با وجود این واقعیات موجود، بهتر می توان به عمق فاجعه اعتیاد در جامعه پی برد و به این حقیقت مسلم دست یافت که چرا به رغم این همه دستگیری و اعدام های گسترده توسط جمهوری اسلامی، آمار اعتیاد و مصرف مواد مخدر در ایران نه تنها کاهش نمی یابد بلکه، همچنان سیر صعودی دارد.

منتشره در کار شماره ۶۱۳